



مدرنی چون ساخت فیلم با هوش مصنوعی تا فیلمسازی تعاملی و مستند سازی از راه دور و ... در این نشست‌ها مطرح می‌شود.

با توجه به اینکه تولید فیلم منوط به دو بخش متمایز است، اولی که مباحث نظریه‌ای و فلسفی است که به فیلمنامه نهایی منتهی می‌شود و دومی مباحث تکنیکی است که در ساختار فنی فیلم ملموس می‌شود، مانند نورپردازی، اصلاح رنگ و نور و فیلمبرداری و ... با این وصف طراحی نشست‌ها و انتخاب اساتید بیشتر متوجه بخش نظری و تئوری در تولید فیلم است یا فنی؟

حقیقت تأکیدمان بر بخشی خاص نبوده است. نه صرفاً مباحث تئوری که به زیباشناسی و استاتیک فیلم منتهی می‌شود و نه تأکید بر مباحث مهارت‌ها که به ابزارها و صنعت سینما منتهی می‌شود. ما سعی کردیم رویکرد آموزشی مان ترکیبی از هر دو بخش باشد. چرا که این نشست‌ها می‌بایست به گونه‌ای طراحی می‌شد که نیاز اکثریت مخاطبان را در نظر بگیرد. البته که به صورت بسیار پرتکرار می‌شنویم که فیلمنامه معضل سینمای ایران است، اما به نظرم در یک جشنواره که ما تنها یک فرصت داریم تا سال آینده، منطقی نبود که تمام نشست‌ها را به بخش فیلمنامه اختصاص دهیم، البته اگر در سیاستگذاری یک سال این مسئله به عنوان آسیب برای ما پررنگ شود، ممکن است چهار نشست تخصصی را به آن اختصاص دهیم. تقریباً این رویکرد ترکیبی در همه سالها حفظ شده است، یعنی اینگونه نبوده که در سالی صرفاً بر روی مباحث تئوریک سینما تأکید بیشتری داشته باشیم و یا در سالی دیگر بر روی مباحث مهارتی و صنعتی در سینما. به همین دلیل انتخاب اساتید هم ترکیبی از هر دو بخش سینماست، حضور احمد السّتی، مهرداد اسکویی در کنار اساتیدی چون رخشان بنی‌اعتماد و محمود کلاری نشان دهنده همین نگاه است. نگاهی که تلاش دارد به روزترین نیازهای فیلمسازان را پاسخ دهد.

در مواجهه با فیلم‌ها چه در مدیوم کوتاه و بلند؛ شاهدیم که در چند سال اخیر بسیاری از مباحث فنی فیلمسازی در سینمای ایران مرتفع شده است، اما هنوز فیلم‌ها بسیار از ناحیه متن رنج می‌برند و این مسئله ما را بیش از هر چیز ناراحت و نگران می‌کند که با وجود حمایت زیاد، اما همچنان متن قادر نیست ما را با جریان فیلم همراه کند، این مسئله چه تأثیری برای شما در حوزه تصمیم‌گیری داشته است؟

اجازه بدهید با این مقدمه سوال تان را پاسخ دهم، شعار جشنواره امسال بومی‌گرایی در ژانر است. به معنای اینکه ژانر‌ها را چگونه می‌توان مال خود و بومی کرد؟ چگونه می‌توانیم سینمای وحشتی داشته باشیم بر گرفته از فرهنگ ایرانی و با مولفه‌های ترسناکی باشد که در فرهنگ ایرانی است، مانند آل، زار در جنوب و ... که نمونه آن را در فیلم پوست برادران ارگ شاهد بودیم. پس بومی‌گرایی و مولفه‌های سبکی ایرانی مباحثی بود که ما پیش از این در همایش مطالعات فیلم کوتاه به آن پرداخته بودیم. قوام این نگاه که چگونه می‌توان ژانر را ایرانی‌تر کرد، چالش ما بوده و هست. از طرف دیگر درباره اینکه می‌گویند بزرگترین معضل سینمای ایران، فیلمنامه است، معتقدم در طرح این مسئله بزرگنمایی شده است، البته که فیلمنامه می‌تواند یکی از معضلات سینمای ایران باشد، اما بزرگترین آنها خیر، خیلی موضوعات و معضلات دیگر در سینمای ایران است که به واسطه آن نمی‌توانیم سینمای خود را به سینمای جهان وصل کنیم و صرفاً به فیلمنامه محدود نمی‌شود. خصوصاً در فیلم کوتاه که به نظرم یکی از آسیب‌های مهم در آن، این است که اتفاقاً با تأکید بر روی فیلمنامه و قصه پردازی خود را به فیلم بلند نزدیک کرده است. فیلمنامه محور شدن، قصه تعریف کردن، شبیه به یک سکانس در یک فیلم بلند شدن، از آسیب‌های جدی در فیلم کوتاه است، که ماحصل آن فیلمسازی شده که می‌خواهند فیلم کوتاهی بسازند که نمونه کاری برای ساخت فیلم بلندشان باشد! به نظرم تمام این موارد آسیب‌های هستند که باعث می‌شود فیلم کوتاه از ریل اصلی خود خارج شود. نگاهی که در نهایت پرزنتی است که یک فیلمساز از خود ارائه می‌دهد تا تئیه کننده با دیدن نمونه کاری به او حمایت کارگردانی فیلم بلند را بدهد. در حالی که فیلم کوتاه مدیوم و زبان بیانی خاص به خودش را دارد. در نتیجه معضلات مطروحه در فیلم بلند، گریبانگیر فیلم کوتاه نیست. فیلم کوتاه در جریان مستقل خود نه بر اساس فیلمنامه که بر اساس ایده استوار است. ایده‌های که مختص فیلمنامه کوتاه هستند و قابلیت تبدیل شدن به فیلم بلند را ندارند. ایده خلاق اولیه، ظرفیت اصلی فیلم کوتاه است که با پرداختن متفاوت از بلند، گسترده می‌شود.

داده می‌شود و حسن حسینی با طرح و گسترش بحث با موضوع ژانر و ردیابی آن در این آثار، آنها را به نقد و تحلیل می‌کشاند و استاد اردو درباره اینکه چگونه یک ایده در قامت یک فیلم کوتاه ژنریک طراحی و گسترش یافته است، صحبت می‌کنند. این مباحث بسیار کمک کننده است برای هنرجویانی است که می‌خواهند با حفظ مولفه‌های ژانر ایده‌های خود را بسط دهند. با درک این مسئله که در فیلم بلند، تولید فیلم ژانری به مراتب راحت‌تر است اما در فیلم کوتاه درک و گسترش آن پرچالش‌تر می‌نماید، لازم بود تا در یک روند ملموس‌تر و با نشان دادن مابه‌ازای خازجی از یک نمونه بر خوان مطالعاتی، آن را به صورت واضح‌تر و آشکارتر به سینمای کوتاه ایران اضافه کنیم. ماحصل این اردوها ۱۵ فیلم ژانری بود که منبعی قابل استناد از روند ساخت فیلم کوتاه ژنریک است.

سانس‌های دیگر نشست‌ها با چه استراتژی آموزشی طراحی شده است؟

سانس‌های دیگر به صحبت‌ها و تعاملات یک کارگردان با دیگر عوامل اختصاص دارد. آنالیزهای که یک کارگردان با دیگر عوامل فیلمسازی دارد، مانند بخش فیلمنامه نویسی، طراحی صحنه، فیلمبرداری و ... که هر کدام در نشست‌های جداگانه با طرح مباحث آکادمیک، بخش‌های متنوعی از همان حوزه را به چالش می‌کشند. مثلاً در حوزه فیلمبرداری با خوانش یک فیلمنامه مشترک مباحث و گفت‌وگوی کارگردان، کمال تبریزی را با محمود کلاری شاهد هستیم با موضوعاتی چون؛ قاب‌بندی و نورپردازی، قطع‌ها و اجرای حرکت‌های دوربینی و یا اتمسفر تصویری و ... که همه و همه در این جلسه مطرح می‌شود. هر روز نشست‌های ۲ و ۳ به این مباحث اختصاص دارد. که مجموعاً ۱۰ نشست را شامل می‌شود. نشست‌های آخر هم با حضور اساتید بین‌المللی و ایرانی است، که به مباحث

نشست‌ها با یک دبیر مشخص کار خود را پیش برده مانند سالی که احمدالستی دبیر نشست‌ها بوده است و در برخی دوره‌ها برای هر بخش با موضوع خاص یک دبیر در نظر گرفتیم، مانند سالی که سعید عقیقی دبیر بخش فیلمنامه نویسی بود.

در طول سال بیشترین آسیبی که در فیلم کوتاه دیده‌اید؛ در چه بخشی بود، آسیبی که در راستای رفع آن مباحث آموزشی را طرح کرده‌اید؟

همچنان موضوع ژانر و بومی‌گرایی در ژانر که شعار انجمن است، بخش مهمی در نشست‌هاست که این موضوع مستقیماً مرتبط شد با موضوع اردوهای فیلمسازی. سال گذشته ۵ اردوی فیلمسازی برگزار شد که از تمام دفاتر حداقل یک هنرجو در این اردوها شرکت کرد به این شکل که به طور مثال کمال تبریزی در ژانر کمدی ۵ هنرجو را در مرحله به مرحله تا ساخت یک اثر در ژانر کمدی با خود همراه کرد. در ابتدا این ۵ هنرجو طرح‌های کمدی خود را به استاد دوره ارائه می‌دادند، پس از انتخاب یکی از طرح‌ها، هر پنج نفر مرحله به مرحله، ساخت یک اثر کوتاه ژنریک را در کنار استاد تجربه کردند. هنرجویان اردوها دوروز روی فیلمنامه و پیش‌تولید، سه روز فیلمبرداری، یک روز تدوین و یک روز صداگذاری زمان گذاشتند و در پایان روز هفتم، فیلم‌نهایی به عنوان محصول این دوره نمایش داده شد. در این اردوها ما از امیر شهاب رضویان در ژانر فانتزی، همایون اسعدیان در ژانر ملو دام اجتماعی و کمال تبریزی در ژانر کمدی و ... استفاده کردیم و آثار نهایی آنها در انتها پس از یک اردوی هفت روزه در کنار یکدیگر نمایش داده شد. آنقدر ما از این اردوها که روی شهرستان‌ها متمرکز بود و واکنش‌های خوب و مثبتی دریافت کردیم که سیر شکل‌گیری و نتایج اردوها را تحت عنوان بخشی از نشست‌ها به برنامه اضافه کردیم. به این شکل که در ابتدای نشست، فیلم‌ها در حضور اساتید نمایش